



پژوهشنامه حقوق کیفری

سال یازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۹

شماره پانزدهم

صفحات ۱۲۶-۱۰۳



انجمن ایرانی حقوق جزا

DOI:10.22124/oi.2019.7036.1298

پاسخ‌های جای‌گزین حقوق کیفری به بزهکاری بالغان زیر ۱۸ سال

محمد سعیدی^۱

دکتر کیومرث کلانتری^۲ ✉

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۴

چکیده

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در خصوص بالغان زیر ۱۸ سال، در سه متن قانونی مجزا، پاسخ‌های جای‌گزین پیش‌بینی کرده است؛ اولاً خدمات عمومی رایگان، اقامت در منزل و حبس پایان هفته‌ای به‌عنوان جای‌گزین‌های جزای نقدی و نگهداری در کانون، ثانیاً امکان استفاده از آزادی مشروط و سایر تخفیفات قانونی و ثالثاً امکان تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات. به علاوه با تحقق شرایط شبهه، مجازات‌های مقرر در مواد ۸۸ و ۸۹ بسته به سن شخص، حتی در جرایم مستوجب حد و قصاص، بر وی اعمال می‌گردند. با وجود پیشرفت تقنینی، اما به لحاظ قضایی کاربری این پاسخ‌های جای‌گزین با ابهامات قانونی، چالش‌های اجرایی و عدم اقبال کنشگران اجرایی همراه است. این ابهامات به تفکیک هر یک از پاسخ‌های جای‌گزین از دامنه‌ی متفاوتی برخوردار است؛ با تحلیل این پاسخ‌ها و فرآیند کاربری-قضایی مشخص می‌گردد که کلی بودن و ابهامات متعدد اجرایی از یک طرف و پیش‌بینی‌های فاقد ضابطه باعث زیرسؤال رفتن اهداف پیش‌بینی آنها خواهد بود.

واژگان کلیدی: پاسخ اجتماعی جای‌گزین، خدمات عمومی رایگان، حبس پایان هفته‌ای، اقامت در منزل، مجازات‌های جای‌گزین نظارت مدار

۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران

۲. استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران

مقدمه

امروزه باتوجه به اهمیت کاهش آثار مخرب پاسخ‌های کیفری سزاگرایانه و تنبیهی محض نسبت به نوجوانان، به تدریج با ارشاد و گاه الزام اسناد بین‌المللی، پاسخ‌های جای‌گزین نسبت به این دسته از بزهکاران وارد قوانین کیفری کشورهای مختلف شده است. بر همین اساس در حقوق ایران نیز در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در قالب فصل اقدامات تأمینی و تربیتی پاسخ‌های جای‌گزین از سوی قانونگذار در دو دسته پیش‌بینی شده است. دسته اول جای‌گزین‌هایی برای پاسخ‌های مقرر برای بزرگسالان است که در قالب خدمات عمومی رایگان و جزای نقدی و نگهداری در کانون اصلاح و تربیت صورت می‌گیرد. دسته دوم جای‌گزین‌هایی هستند که برای پاسخ‌های اصلی مقرر در مواد ۸۸ و ۸۹ نسبت به نوجوانان پیش‌بینی شده اند که عبارتند از حبس پایان هفته‌ای و اقامت در منزل. پیش‌بینی این پاسخ‌های جای‌گزین نسبت به نوجوان در کنار آزادی مشروط، تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات نوجوانان در مواد ۹۰ و ۹۴ این قانون، پیشرفت چشمگیری در عرصه‌ی نوع و سیاست‌های ناظر به پاسخدهی به نوجوانان تلقی می‌گردد. اما به منظور اثربخش بودن پیش‌بینی این سیاست و پاسخ‌ها نسبت به این دسته از بزهکاران، لازم است که جزئیات قانونی از منظر مقدمات و شرایط قانونی مرتبط با پیاده‌سازی این پاسخ‌های جای‌گزین مورد بررسی قرار گیرد. زیرا پیش‌بینی تقنینی تدابیر جای‌گزین وقتی می‌تواند در راستای کاهش اثرات مخرب پاسخ سزاگرایانه کیفری و نیز کاهش برچسب‌زنی بر بزهکاران نوجوان موثر واقع گردد که مقنن، با عطف توجه به اقتضائات قانونی پاسخ‌های جای‌گزین، در مقام توجه به ویژگی‌های اصلاحی و درمانی مورد نیاز در تعیین هر پاسخ نیز برآید.

موضوع تحلیل جای‌گزین‌ها اشخاص بالغ زیر هجده ساله ای هستند که به تعبیر قانونگذار نوجوان نام دارند. اگر چه در تقسیم‌بندی‌های روان‌شناختی طبقه بندی متفاوتی از اشخاص کودک و نوجوان می‌شود، ولی به موجب قانون مجازات اسلامی، طفل همان شخص صغیر و نابالغ، و نوجوان همان شخص بالغی است که هنوز به سن ۱۸ سال تمام شمسی نرسیده باشد (شمس ناتری و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۴۵). در این بین پرسش‌های مقاله حاضر این است که اولاً منظور از سن ۱۸ سال تمام شمسی چیست، آیا منظور ۱۷ سال و ۱۲ ماه است و یا ۱۸ سال و ۱۲ ماه می‌باشد؟ ثانیاً آیا می‌توان جای‌گزین‌های دیگری را نیز باتوجه به وضعیت و پرونده شخصیت نوجوانان اعمال نمود؟ پاسخ به پرسش اول از این منظر مهم است که اتمام سن مورد نظر در نوجوانی آغاز مسئولیت کامل کیفری و اعمال پاسخ‌های کیفری بر بزرگسالان خواهد بود. در نظریه اداره حقوقی

قوه قضائیه مراد از ۱۸ سال تمام را ۱۸ سال و ۱۲ ماه دانسته شده است.^۱ بنابراین چنانچه شخص بعد از ۱۸ سالگی، ۱۲ ماه وی به اتمام برسد دوره‌ی نوجوانی وی نیز به اتمام رسیده و بعد از آن، شخص دارای مسئولیت کامل کیفری است (صبوری پور و علوی صدر، ۱۳۹۴: ۱۷۱-۱۷۴). بر این اساس حداکثر مرز نوجوانی همین میزان است و پس از آن، از نظر قانونگذار شخص به دوره جوانی و امکان اعمال مجازات بر وی راه می‌یابد. بنابراین باتوجه به دامنه‌ی مواد ۸۹ و ۹۴ نسبت به نوجوانان، رویکرد مقنن مبنی بر اعمال مجازات‌های جایگزین در خصوص نوجوانان است. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مقنن این مجازات‌ها را به دو شکل نسبت به نوجوانان مورد نظر داشته است؛ اولاً به‌عنوان مجازات اصلی و ثانیاً به‌عنوان پاسخ‌های جایگزین. حال باتوجه به اینکه این مجازات‌ها با نگهداشتن شخص در محیط اجتماعی، سعی دارند شخص را در مسیر بازاجتماعی شدن نگهدارند نیازمند تحلیل است که تا چه میزان رویکرد تقنینی و قضایی در بکارگیری این تدابیر جایگزین موثر و نظام مند ظاهر شده و چه ابهاماتی در هر کدام از این نهادها به تفکیک قابل طرح است. به همین منظور در این مقاله باتوجه به نحوه‌ی پذیرش مصادیق جایگزین‌ها نسبت به نوجوانان ابتدائاً پاسخ‌های جایگزین به‌عنوان پاسخ اصلی مورد اشاره قرار خواهند گرفت و سپس پاسخ‌های جایگزینی مورد بررسی قرار خواهند گرفت که نوعی تخفیف قانونی از پاسخ‌های اصلی غیر جایگزین قلمداد می‌شوند.

۱. در مورخ ۹۲/۶/۲ در نظریه‌ی با شماره‌ی ۷/۹۲/۱۰۲۲؛ ۷۱۲-۷۱۳/۱-۱۸۶-۹۲ پرسش مطرح شده است که: مطابق ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری و همچنین ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب (۹۲/۲/۱) صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان در رسیدگی به جرائم اشخاص تا ۱۸ سال تمام شمسی بیان شده است حال پرسش این است که:

اولاً- منظور از ۱۸ سال تمام چه می‌باشد آیا منظور ۱۷ سال و ۱۲ ماه می‌باشد یا اینکه شخصی که ۱۸ سال و ۱۲ ماه نیز دارد مشمول رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان می‌شود.
ثانیاً: اگر پاسخ شق اول پرسش می‌باشد آیا خود سن ۱۸ سال یعنی فردی که در روز تولدش در سن ۱۸ سالگی مرتکب جرم می‌شود نیز رسیدگی به جرمش در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان می‌باشد.
نظریه مشورتی:

۱- منظور از ۱۸ سال تمام کسی است که ۱۲ ماه از ورود سنش به ۱۸ سالگی گذشته باشد و لذا کسی که ۱۲ ماه از ورود سنش به ۱۷ سالگی گذشته را نمی‌توان ۱۸ سال تمام دانست.
۲- باتوجه به اینکه عرفاً سالروز تولد فرد روز ورود وی به سن جدید است لذا فردی که در سال روز تولدش دستگیر می‌شود را نمی‌توان ۱۸ سال تمام دانست.

الف) پاسخ‌های جای‌گزین به‌عنوان پاسخ اصلی

برخی از پاسخ‌های ماهیتی که نسبت به نوجوانان تعیین شده است پاسخ اصلی تعارض شخص نوجوان با قانون می‌باشد؛ یعنی چنانچه وی مرتکب جرم تعزیری یا حتی حدی و مستوجب قصاص نیز گردد از سوی دادگاه و به‌جای مجازات اصلی می‌تواند محکوم به مجازات‌های اصلی دیگری گردد؛ این پاسخ، اگرچه ماهیتاً جای‌گزین تلقی می‌گردد ولی مجازات اصلی رفتار آنان است. نهادهایی مانند خدمات عمومی رایگان، حبس خانگی (اقامت در منزل) و حبس پایان هفته‌ای در این قالب قرار می‌گیرند. بنابراین در ادامه بررسی می‌شود که این نهادها با چه شرایطی صادر می‌شوند و چه شرایطی به اجرایی شدن آنها جهت می‌دهد.

۱. خدمات عمومی رایگان

خدمات عمومی یا کار عام‌المنفعه، پاسخی است که می‌توان آن را وسیله‌ای برای تقویت و گسترش احساس مسئولیت و جامعه‌جامعه‌پذیری و بازسازی اجتماعی در مجرمان و شیوه‌ی مثبت و مؤثری برای جبران خسارت جرم‌های ارتكابی آنان به شمار آورد که رشد شخصیتی و عزت نفس مجرم را نیز ارتقاء می‌بخشد (آشوری، ۱۳۸۲: ۳۲۷). تقویت اراده نوجوانان برای اشتغال به کار، عادت دادن آنان به نظم و انضباط و رعایت قوانین و مقررات، ایفای نقش اجتماعی و درک مسئولیت را به‌عنوان اهداف تربیتی و اصلاحی خدمات عام‌المنفعه در کنار جبران خسارت جامعه را می‌توان از اهداف کار عام‌المنفعه به‌عنوان پاسخی اجتماعی دانست. پاسخی که با قرار دادن بزهکار در محیط اجتماع و خانواده از آثار نامطلوب روانی و اجتماعی نگهداری نوجوانان معارض قانون در محیط‌های بسته جلوگیری نموده (سیگل و جوزف، ۱۳۷۹: ۵۶) و مسلماً برچسب ناشی از الزام به ارائه خدمات عمومی بسیار خفیف‌تر از برچسب زندانی است. زیرا بزهکار را در محیط اجتماع و خانواده باقی می‌گذارد و استمرار زندگی عادی می‌را تضمین می‌نماید، که به اعتقاد برخی، چنین قرارهایی، ضمانت‌های اجرایی کارآمدی هستند که مسئولیت‌پذیری را تقویت می‌کنند (Goldson, (ed.), 2008, P 169). بنابراین، خدمات عمومی پاسخی است که در ابتدا به‌عنوان جای‌گزین حبس‌های کوتاه مدت نوجوان در نظر گرفته شد (رزاقی، ۱۳۷۸: ۱۲۱-۱۱۷).

در حقوق کیفری ایران، در کنار پیش‌بینی این پاسخ نسبت به بزرگسالان در مواد ۷۹ و ۸۴ ق.م.ا، برای نوجوان نیز در ماده ۸۹ ق.م.ا، ارائه خدمات عمومی به‌عنوان یکی از پاسخ‌های قابل اعمال نسبت به نوجوانان بین ۱۵ و ۱۸ سال مقرر گردیده است. شرط صدور حکم به ارائه‌ی خدمات عمومی این است که این نوجوان مرتکب جرم مستوجب تعزیر درجه‌ی پنج و شش شده

باشد؛ یعنی جرمی که حداقل مجازات قانونی حبس آن شش ماه و یک روز و حداکثر آن، پنج سال باشد.

در ماده‌ی ۸۹ ق.م.ا.تنها به مدت ارائه خدمات عمومی و اینکه در چه گروه سنی و چه جرایمی این پاسخ قابل اعمال است و اینکه ساعات ارائه خدمات در هر روز بیش از ۴ ساعت نخواهد بود تصریح شده، که این مدت باتوجه به اینکه نوجوانان در این سن معمولاً مشغول به تحصیل هستند قابل توجیه می‌باشد. مقام اجرا نیز با رعایت این شرط می‌بایست برنامه ارائه خدمات را به گونه‌ای تنظیم کند که مزاحم تحصیل نوجوانان محکوم به ارائه خدمات عمومی نباشد. از حیث شرط سنی، الزام به ارائه خدمات عمومی معمولاً در مورد نوجوانان بالاتر از ۱۵ سال که نیاز به کارآموزی فنی و حرفه‌ای دارند اجرا می‌گردد (یوسفی زاده، ۱۳۹۵: ۲۳۰). از سوی دیگر به جهت ملاحظات حقوق بشری و الزامات قانون کار و بیمه نمی‌توان این پاسخ را نسبت به اطفال کمتر از ۱۵ سال تحمیل کرد. در ماده ۸۹ ق.م.ا.نیز، انجام خدمات عمومی تنها برای نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال مقرر گردیده است. در هر حال رویه قضایی نیز به عنوان جلوه پویای استفاده از راهکارهای نوین به این مهم توجه داشته است به نوعی که با مذاقه در برخی اراء صادره این مهم ملاحظه می‌گردد. برای نمونه یکی از شعب دادگاه اطفال تهران در پرونده کلاسه ۳۲۵-۹۵۰ در خصوص سرقت فرد ۱۶ ساله از یک فروشگاه این گونه حکم نموده است «در خصوص کیفر خواست صادره از دادسرای..... آقای..... متهم است به سرقت لباس از یک فروشگاه..... دادگاه باتوجه به محتویات پرونده و با عنایت به اقرار متهم بزه کاری ایشان را ثابت تشخیص داده است نظر به سن مرتکب و فقدان سابقه وی با عنایت به وضعیت معیشتی نامبرده (جدایی والدین و زندگی در نزد سایر بستگان به شرح صفحات ۲۴ و ۲۵ پرونده) باتوجه به بند پ ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی به یکصد و هشتاد ساعت کار عام النفعه در شهرداری محکوم می‌گردد.....» از این رو ملاحظه می‌گردد که در نظام کیفری ایران استفاده از خدمات عام‌المنفعه نسبت به جرایم نوجوانان نیز قابل مشاهده می‌باشد. مع‌الوصف باید توجه داشت برای تحقق اهداف این پاسخ در زمان صدور این حکم، رعایت شرایطی از جمله رضایت بزهکار، تناسب شرایط سنی و جنسی با محل و نوع کار و مدت ارائه خدمات لازم است. محکوم علیه باید نسبت به انجام کار و نوع محکومیت رضایت داشته باشد و در ماده ۸۴ ق.م.ا.نیز به این شرط تصریح شده است: «خدمات عمومی رایگان، خدماتی است که با رضایت محکوم برای مدت معین مورد حکم واقع می‌شود». زیرا خدمات عمومی محدودیت‌های جسمانی و روانی را در پی دارد و محکوم علیه باید نسبت به آن راضی باشد، همچنین «نوع کار باید باتوجه به ذوق و استعداد، سن، قدرت جسمانی و روانی طفل و نیاز جامعه به کارگر حرفه‌ای تعیین گردد» (دانش، ۲۲۹) در غیر این صورت امکان تحقق اهداف خدمات عمومی از بین می‌رود.

فقط بحثی که می‌توان در اینجا مطرح نمود این است که تا چه اندازه رضایت شخص نوجوان به معنای التزام وی به خدمات عمومی خواهد بود. امری که به نظر می‌رسد می‌توان با ملاحظه‌ی پرونده‌ی شخصیت بزهکار و خصوصیات وی در صدد تعیین میزان التزام وی گام برداشت. اما با نظر به سیاست جنایی قضایی مرتبط با پرونده‌ی شخصیت، تشکیل این پرونده کاملاً کارشناسی نشده و در قالبی بسیار مختصر صورت می‌گیرد؛ امری که امکان احراز میزان التزام نوجوان را فراهم نمی‌سازد و قضات را به تصمیم‌گیری یکجانبه سوق می‌دهد.

ایرادی که در مورد دامنه اعمال این پاسخ قابل ذکر می‌باشد این است که به موجب ماده ۸۹ قانون مذکور، خدمات عمومی تنها در جرایم مستلزم تعزیر درجه ۵ و ۶ قابل اعمال است، در حالی که، خدمات عمومی پاسخی است که هم به نفع جامعه بوده و هم به حمایت از بزهکار و کمک به بازسازی او می‌پردازد و فاقد آثار منفی نگهداری در محیط بسته و برجسب خوردن است. بنابراین به نظر می‌رسد که می‌توان این پاسخ در همه جرایم نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال و به تشخیص مقام قضایی قابل تعیین باشد تا هر جا قاضی مناسب دید متهم را به ارائه خدمات عمومی البته با مدت‌های متفاوت محکوم نماید. این پاسخ سختی و رنج بزهکار را نیز به همراه داشته و بدین جهت در برابر جرایم مهم نیز پاسخی مناسب تلقی می‌شود، زیرا ارتکاب جرایم مهم همیشه دلیل بر خطرناک بودن مرتکب نیست.

در خصوص نحوه پیاده سازی و نحوه اجرای این پاسخ نسبت به نوجوانان، از حیث مقام مجری، ضمانت عدم اجرا، شیوه نظارت و سایر مسائل در قانون مذکور مطلبی ذکر نشده است. در این راستا، اگرچه تدوین مقررات افتراقی ناظر به این افراد نیاز است، ولی در حال حاضر به نظر می‌رسد که می‌توان از آیین نامه ماده ۷۹ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۴ به منظور نظام مندسازی اجرای این پاسخ و جهت بخشی به عملکرد قضات استفاده کرد. گسترده بودن انواع خدمات عمومی^۱ می‌تواند در تعیین خدمت متناسب با شخص نوجوان مؤثر واقع گردد، چراکه همه‌ی انواع خدمات لزوماً به توانایی جسمی نیاز ندارند و برخی از آنها بیشتر به مهارت‌های غیر فیزیکی متکی بوده و برای نوجوانان مناسب. نکته دیگر ناظر به مقام مجری است، به موجب ماده ۴ از آیین‌نامه اخیرالذکر، نهاد مجری و پذیرنده این خدمات باید در ادارات دولتی با شهرداری‌ها و نه در بخش خصوصی انجام شود.^۲ این در حالی است که در زمینه مسائل اجرایی ناظر به نوجوانان به نظر می‌رسد که خدمات عمومی نیاز

۱. براساس ماده ۲ آیین نامه ماده ۷۹ ق.م.ا. خدمات عمومی رایگان عبارتند از: الف - امور آموزشی ...؛ ب - امور بهداشتی و درمانی ...؛ پ - امور فنی و حرفه‌ای ...؛ ت - امور خدماتی ...؛ ث - امور کارگری ...؛ ج - امور کشاورزی، ...
 ۲. ماده ۴ آیین نامه ماده ۷۹ ق.م.ا.

به همکاری جامعه و مؤسسات دولتی با دستگاه قضایی دارد و به عبارتی موفقیت این پاسخ اجتماعی، نیازمند یک سیاست جنایی مشارکتی قضایی است.

نکته دیگر در رابطه با خدمات عام المنفعه‌ی مقرر در ماده ۸۹ ق.م.ا این است که، قانون به قبول یا عدم قبول نوجوان به عنوان شرط اجرای این پاسخ اشاره‌ای نکرده است. این در حالی است که در ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که در زمینه خدمات عام المنفعه برای بزرگسالان است، قبول بزهکار شرط اجرای حکم اعلام شده است. همچنین به موجب اصل ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است برگزیند...» و کار اجباری مطابق با ماده ۱۷۲ قانون کار مصوب ۱۳۶۹ نیز جرم بوده و برای آن مجازات تعیین شده است. لذا به نظر می‌رسد که به کارگیری نوجوانان بزهکار بدون رضایت آنها که در ماده ۸۹ پیش‌بینی شده است خلاف قانون اساسی و دیگر مقررات باشد. شاید تصور مقنن نیز آن بوده است که دادگاه صالح (دادگاه عمومی اطفال و نوجوانان یا حتی دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان) با مذاقه در پرونده و باتوجه به مصلحت نوجوان تصمیم می‌گیرد و اگر تشخیص دهد که کارهای عام المنفعه با سن، روحیه و جرم ارتكابی تناسب دارد لذا نیازی به رضایت متهم نباید باشد.

در ماده ۱۳ آیین‌نامه ماده ۷۹، توجه به شرایط نوجوانان در صدور خدمات عمومی رایگان شرط شده است، به موجب این ماده «اجرای خدمات عمومی رایگان باید به گونه‌ای باشد که تمامی قوانین و مقررات مربوط از جمله در خصوص شرایط کار زنان و نوجوانان، محافظت فنی، بهداشتی، ایمنی و ضوابط کارهای سخت و زیان‌آور رعایت شود.» نکته مهمی که در اینجا به نظر می‌رسد آن است که بهتر می‌بود دادگاه اتخاذ نوع خدمات عام المنفعه را با مشورت مددکاران اجتماعی تعیین می‌کرد چرا که انتخاب نوع خدمات عام المنفعه نیز بدون توجه به پرونده شخصیت (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۶۸) و نیز نظر مددکاران اجتماعی و حتی روان‌شناسان برای قاضی آسان نخواهد بود. نکته دیگری که می‌توان بیان نمود اینکه چنانچه قضات در سیاست جنایی قضایی بخواهند حکم به خدمات عمومی رایگان صادر کنند، محل کار بایستی تا جایی که امکان دارد، نزدیک به محل اقامت دائمی نوجوان باشد و برنامه انتقال به کار نیز توسط مقام مجری به گونه‌ای تنظیم شود که شخصیت، تحصیل یا کار دائمی محکوم لطمه نزند. از حیث مدت زمان ارائه خدمات عمومی چارچوب معمول آن ۲۴۰-۴۰ ساعت است (آشوری، ۱۳۸۲: ۳۳۴).

ایراد دومی که در این پاسخ مطرح می‌گردد آن است که ضمانت اجرای تخلف نوجوان از اجرای خدمات عام المنفعه مشخص نشده است و لذا مشخص نیست که اگر نوجوان از اجرای این پاسخ سرباز بزند ضمانت اجرایی که می‌توان تعیین کرد چه خواهد بود. شاید بتوان با وحدت ملاک از ماده ۱۱۲ آیین‌نامه این ابهام را تا حدودی مرتفع ساخت، زیرا به موجب آن؛ «قضای اجرای احکام

باتوجه به گزارش ماهانه نهاد پذیرنده و وضعیت شخصی، خانوادگی و اجتماعی محکوم و آثار اجرای حکم و سایر جهات در چارچوب ماده (۷۷) قانون و سایر گزارش های واصله، حسب مورد تخفیف یا تبدیل یا توقف موقت یا تشدید مجازات خدمات عمومی رایگان را وفق مقررات قانونی به دادگاه صادرکننده رأی پیشنهاد می کند.» بنابراین احتمال تشدید خدمات عمومی نسبت به نوجوان تنها ضمانت اجرای تخلف از این نهاد است، اما میزان تشدید و دفعات اعمال تشدید به صراحت نه تنها در مورد نوجوانان و نه در مورد بزرگسالان به صراحت مشخص نشده است. به علاوه نکته قابل طرح در سیاست جنایی قضایی آن است که خدمات عمومی مطابق قانون مجازات اسلامی، خدماتی بدون دستمزد خواهد بود. بهتر می بود که قانون با تعیین ردیف بودجه ای خاص، این اختیار به قاضی می داد که در صورت تشخیص و جهت تشویق محکوم به انجام کار، در صورت اجرای صحیح خدمات و برنامه ها، دستور پرداخت مبلغی را به وی بدهد.

۲. حبس پایان هفته ای

حبس پایان هفته ای شیوه ای از مجازات است که به محکوم اجازه می دهد ساعات و زمان های کاری را مشغول به امورات حرفه ای خویش و خانواده بوده تعطیلات آخر هفته را در زندان سپری کند. لذا این شیوه از حبس منجر به بیکاری و جدایی فرد از زندگی اجتماعی نمی شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸: ۷۹). در اعمال حبس پایان هفته ای علاوه بر اهداف کلی مجازات دو هدف عمده نیز دنبال می شود: اول انسانی کردن مجازات ها و دوم اقتصادی کردن مجازات زندان سنتی (حبیب زاده، ۱۳۸۰: ۱۴۶). توضیح آنکه به نظر پیروان این روش از طرفی با کم کردن مدت حبس، در مورد عده ای چند ساعت توقیف نیز همان اثر تنبیهی و تادیبی را در روحیه آنان خواهد گذاشت که چند ساعت حبس ممکن است بگذارد. بنابراین از مخارج زائد و غیر ضروری برای نگهداری برخی زندانیان به مدت طولانی، کاسته خواهد شد و نیز چون هدف کیفر حبس محدود کردن آزادی اشخاص است با اعمال این مجازات در دو روز انتهای هفته به همان نتیجه می توان دست یافت (به طور کلی برای مطالعه ی بیشتر ر.ک نیازپور، ۱۳۹۳: ۳۱). لذا اتخاذ این شیوه در مورد نوجوانان باعث می شود تا علاوه بر محرومیت نوجوان از تعطیلات پایان هفته اش، که پاسخ خطای اوست، وقفه ای نیز در تحصیل و یا کار او ایجاد نگردد (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۶۷).

حبس پایان هفته ای در تبصره ۲ ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی مورد توجه مقنن قرار گرفته است مطابق این تبصره «دادگاه می تواند باتوجه به وضع متهم و جرم ارتكابی او به جای صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی... به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای سه ماه تا پنج سال حکم دهد.» باتوجه به همین ماده یکی از دادگاه های

شهرستان فارس در رای شماره ۱۵۸۴-۹۵۰۹۹۷ در ضمن صدور حکم به نگهداری مرتکب جرم ضرب و جرح به مدت ۷ ماه در دو روز پایان هفته محکوم داشته است. بنابراین رویه قضایی از تبصره ماده ۸۹ ق.م.ا نیز به عنوان یک موضوع قابل پذیرش استفاده نموده است. با این همه باید توجه داشت که این ماده دارای ابهامی می باشد. نخستین ایرادی که در نگاه اول می توان به این ماده گرفت آن است که امکان صدور حکم به حبس پایان هفته ای صرفاً در مورد نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال وجود دارد و امکان اعمال این پاسخ در مورد نوجوانان دختر بالای ۹ سال قمری تا ۱۵ سال یا به طور خاص، ۱۲ تا ۱۵ سال وجود ندارد که این مطلب با توجه به لزوم تخفیف بیشتر در مورد گروه های سنی پایین تر و نیز گستره ی اختیارات قاضی در فقه در زمینه فردی سازی مجازات امری ناصحیح به نظر می رسد. زیرا مقنن در تبصره ۱ ماده ۸۸ تاکید کرده که نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در مورد نوجوانان و اطفالی که جرایم موجب تعزیر درجه یک تا پنج مرتکب شده اند الزامی است. همچنین محدوده ی دیگر این پاسخ تنها ناظر به نوجوانان محکوم به بندهای الف تا پ شده است. علت این امر نیز آن است که در جرائم تعزیری درجه ی یک تا پنج که با توجه به شدید بودن نوع پاسخ، صدور محکومیت به حبس پایان هفته ای ضرورت پیدا می کند. چراکه ظاهراً به اعتقاد قانونگذار، جزای نقدی مقرر در بندهای ت و ث از ماده ۸۹، چون پاسخ نوعاً خفیف است، نمی توان حکم به حبس پایان هفته ای صادر نمود.

این پاسخ به مانند خدمات عمومی رایگان و با توجه به ماده ۹۱ ق.م.ا در جرایم مستوجب حدود و قصاص نیز در صورتی که فرد بالغ دارای رشد کیفی نباشد امکان اعمال این پاسخ وجود دارد. اما اینکه برای کدام جرم ارتكابی مستوجب حد و چه میزان از جنایت مستوجب قصاص عضو و یا حتی جنایت مستوجب قصاص نفس می توان این مجازات را تعیین نمود بسته به نظر قاضی دارد (پور محی الدینی، ۱۳۹۵؛ ۸۷). به هر حال، این ماده اطلاق دارد و پاسخ سبک و سنگین را شامل می شود، با این حال به نظر می رسد در این جرایم، این پاسخ بر جرایم سبک حدی و موارد خفیف بدل از قصاص عضو قابل اعمال باشد. بنابراین حتی با توجه به اختیار موسعی که قانون با عدم تصریح دقیق ایجاد نموده است، می توان بر اجرای این پاسخ به طور تکمیلی نیز حکم داد.

نکته دیگر در اجرایی نمودن این پاسخ آن است که مقنن مشخص نکرده چنانچه نوجوان از این اقدام خودداری کند و در دو روز آخر هفته خود را به کانون معرفی ننماید چه سرنوشتی پیش روی اوست، آیا می توان این پاسخ را به نگهداری در کانون یا جزای نقدی تبدیل کرد؟ پاسخ با توجه به مسکوت گذاشتن این امر توسط مقنن و لزوم تفسیر مضیق قوانین احکام قضایی منتفی است و شاید بتوان از تشدید این حبس پایان هفته ای با نظارت ها و تعهدات بیشتر را به عنوان ضمانت اجرا

رویکردی نزدیک به نظر قانونگذار دانست.^۱ که بنابراین چنانچه بار اول تخطی نمود به مدت آن افزوده گردد و در نهایت با عدم تبعیت برای بار دوم حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی موضوع بندهای (الف) تا (پ) صادر گردد. به هر تقدیر این تعیین ضمانت اجرا نیازمند تصریح قانونی است تا در عمل رویکرد قضایی دچار عدم انسجام رویه قضایی و بروز دیدگاه های متشتت نگردد.

۳. اقامت در منزل

اقامت در منزل یا حبس خانگی، شیوه‌ای از اجرای کیفر سالب آزادی، که در جریان آن، محکوم، حبس خود را به جای زندان، در منزل خود سپری می‌کند. به عبارتی دقیق‌تر مفهوم حبس خانگی ایجاب می‌کند که بزهکاران محکوم شده، مدتی را در خانه‌هایشان، به‌عنوان جای‌گزینی برای زندان، بگذرانند. برنامه‌های حبس خانگی در نیمه دهه ۱۹۸۰ به سرعت گسترش یافت. در اسناد بین‌المللی نیز در ماده ۲-۸ قواعد توکیو حبس خانگی به‌عنوان یکی از مجازات‌های جای‌گزین مناسب ذکر گردیده است. ماده ۱۸ مقررات پکن نیز، با اشاره به روش‌های بینابین در مورد نوجوانان و تأکید بر اینکه هیچ یک از نوجوانان - مگر در ضرورت ایجاب شرایط پرونده - بعضاً یا کلاً از تحت نظارت والدین خارج نخواهند گردید. به عبارتی دیگر جدایی فرزندان از والدین خود آخرین راه چاره است و تنها زمانی می‌توان به این اقدام متوسل شد که حقایق پرونده (مثلاً سوءاستفاده از کودک) این اقدام مهم را جایز نماید، حبس خانگی را بدین شکل مورد تأکید قرار می‌دهد. در نتیجه نوجوان معارض قانون در محیط خانواده خود به سر برده و از این جهت کمک روحی و شایانی نسبت به او صورت می‌گیرد (پورمحمی‌الدینی، ۱۳۹۵: ۲۵۶).

در قوانین کیفری ایران، حبس خانگی در قسمت اول از تبصره ۲ ماده ۸۹ ق.م.ا.پ پیش‌بینی گردیده است. به موجب این تبصره دادگاه اطفال می‌تواند نسبت به نوجوانان بزهکار بین ۱۵ تا ۱۸ سال، باتوجه به وضع متهم و جرم ارتكابی - به جای صدور حکم به مجازات نگهداری در کانون یا

۱. در نهادهایی مانند آزادی مشروط، جایگزین حبس مقنن در تخلف اشخاص از نهادهای مقرر تشدید و افزایش مدت را پیش‌بینی نموده است که به نظر می‌رسد نسبت به نوجوانان محکوم به حبس خانگی نیز قابل استفاده باشد. ماده ۶۱- هرگاه محکوم در مدت آزادی مشروط بدون عذر موجه از دستورهای دادگاه تبعیت نکند برای بار اول یک تا دو سال به مدت آزادی مشروط وی افزوده می‌شود. در صورت تکرار یا ارتكاب یکی از جرائم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت، علاوه بر مجازات جرم جدید، مدت باقیمانده محکومیت نیز به اجراء در می‌آید، در غیر این صورت آزادی او قطعی می‌شود.

ماده ۸۱- چنانچه محکوم از اجراء مفاد حکم یا دستورهای دادگاه تخلف نماید، به پیشنهاد قاضی اجراء احکام و رأی دادگاه برای بار نخست یک چهارم تا یک‌دوم به مجازات مورد حکم افزوده می‌شود و در صورت تکرار، مجازات حبس اجراء می‌گردد.

جزای نقدی (در جرایم تعزیری درجه ۱ تا ۵)، موضوع بندهای الف تا پ ماده مذکور - به اقامت در منزل در ساعاتی معین، حکم دهد. این ساعات باید توسط قاضی دادگاه، باتوجه به پرونده‌ی شخصیت طفل و متناسب با شرایط تحصیلی یا کاری او، تعیین شود.^۱ همچنین به مانند حکم به حبس پایان هفته‌ای، چنانچه به استناد ماده ۹۱ در جرایم مستوجب حد و قصاص رشد کیفری مرتکب نوجوان احراز نشود می‌توان به این مجازات حکم داد و تعیین این حکم بستگی بسیار زیادی به نظر قاضی دارد. کما این که در خصوص بزه تخریب خوددوری شاکی به‌طور عمد توسط چند تن از نوجوانان و افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال یکی از شعبات دادگاه اطفال تهران در رأی شماره ۱۵۴۳-۹۶۰۹۹۷ در خصوص سه تن از افراد بالغ کمتر از هجده سال دو نفر را به یکسال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت ویکی دیگر از مرتکبین را به لحاظ مداخله کمتر در شرکت در تخریب به نگهداری در منزل در ساعات ۱۴ الی ۱۸ عصر روزهای پایان هفته و منع رفت و آمد با همسالان خود در محل زندگی محکوم نموده است... با این حال نکته حائز اهمیت آن است که در این پاسخ، نظارت بر محکومان به روش‌های مختلف قابل اجراست. در یک روش پیشرفته می‌توان از دستگاه‌های الکترونیکی برای نظارت بر محکوم استفاده کرد و در روش ساده‌تر، مسئول نظارت با تلفن‌های مقطعی از حضور محکوم در منزل اطمینان حاصل کند. این مسئولین ممکن است اعضای انجمن‌های خیریه یا مددکاران اجتماعی باشند. مسئولین مراقبت با نظر مقام قضایی مربوطه مجاز به ملاقات محکوم در منزل وی خواهند بود. در این صورت، اجازه محکوم برای بازدید و ورود مأمورین به منزل ضروری است و چنانچه به مأمورین اجازه ورود داده نشود، در حکم غیبت و تخلف خواهد بود (آشوری، ۱۳۸۲: ۳۹۲).

همچنین از نکات دیگری که در این ماده باید رعایت می‌شد لزوم رضایت اولیاء و سرپرستان نوجوان برای اجرای آن است. علت لزوم این رضایت را باید در این دانست که اجرای این کیفر می‌تواند نوعی تحدید حریم خصوصی افراد باشد. لذا لزوم رضایت اشخاص لازم است که البته این امر می‌تواند نوعی قرار دادی شدن عدالت کیفری نیز باشد چرا که مجازات به مرتکب تحمیل نمی‌شود و نیاز به رضایت برای اجرای مجازات است (آقایی جنت مکان، ۱۳۹۴: ۸۲). نکته دیگر

۱. در زمان قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ هر چند حبس خانگی به صراحت در قوانین کیفری مجرا در ایران پیش‌بینی نشده بود، اما در ماده ۴۹ ق. م. ا، به قاضی اجازه داده شده تا طفل را برای تربیت به سرپرست وی بسپارد، بنابراین قاضی می‌تواند ضمن سپردن طفل به سرپرست وی، حبس خانگی را نیز مقرر دارد. همچنین حبس خانگی توسط برخی از دادگاه‌های اطفال با استناد به مواد ۱۲، ۱۷، ۱۹، ۲۲، ۷۲۸ ق. م. ا مورد حکم قرار گرفته است. در این خصوص و جهت مشاهده نمونه این آراء ر. ک مظفری، احمد، کاظمی، علی و احمد جعفری، دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان معارض قانون، جزوه آموزشی اداره کل آموزش قضات، چاپ اول، ۱۳۸۸

قابل طرح در رویکرد اجرایی-قضایی که در تبیین این ماده ضروری به نظر می‌رسد عدم وجود نظارت بر اجرای حکم و عدم تعیین ضمانت اجرا برای آن است. درست است که استفاده از دستبند الکترونیکی می‌تواند خود به نوعی برای نوجوان برچسب زننده باشد اما مقنن می‌توانست با استفاده از افرادی نظیر مددکاران اجتماعی اجرای این حکم را تسهیل کند.

بازشناسی ضمانت اجرای عدم تبعیت از شرایط عملی و پیاده‌سازی این نهاد نیز دارای اهمیت است. در صورتی که نوجوان از اجرای حکم سرباز بزند و در ساعات مقرر در منزل نماند آیا می‌توان این مجازات را به مجازات دیگری نظیر نگهداری در کانون اصلاح و تربیت و یا جزای نقدی تبدیل کرد؟ متأسفانه مقنن در این زمینه نیز ساکت است و ضمانت اجرایی برای تخلف از اجرا معین ننموده است که این امر می‌تواند در نهایت به عدم اجرای صحیح این حکم بینجامد.

مطالعهٔ رویه‌ی قضایی محاکم صالح به رسیدگی به جرایم نوجوانان، صدور این پاسخ با چالش‌های فراوانی مواجه است؛ اولاً به این دلیل که این پاسخ در کشورهایی چون انگلیس و آمریکا، از طریق نظارت الکترونیکی اجرا می‌شود، اما استفاده از این نحو از نظارت، مستلزم پرداخت هزینه‌ی دستگاه است و در عملکرد قضایی به‌طور کلی از استفاده از نظارت الکترونیکی تمایل قضایی بوجود نیامده است و ثانیاً، اعتماد محاکم قضایی به تربیت مدار منازل محکومان نوجوان بسیار اندک است و ترجیح می‌دهند با الزام شخص به پرداخت جزای نقدی و یا نگهداری در کانون، پاسخ رسمی و مشهود قضایی اعمال گردد.

ب) پاسخ‌های جای‌گزین اجتماعی به‌عنوان تخفیف قانونی نسبت به پاسخ اصلی

در کنار جای‌گزین‌هایی که به‌عنوان پاسخ اصلی پیش‌بینی شده‌اند، جای‌گزین‌هایی در قانون قابل شناسایی هستند که یا امکان استفاده از آنها نسبت به نوجوانان صراحتاً پیش‌بینی شده و یا آنکه به‌طور کلی نسبت به مطلق بزهکاران اعم از نوجوانان و بزرگسالان پیش‌بینی شده است و به نظر می‌رسد که ممنوعیتی در استفاده از آنها برای نوجوانان وجود ندارد. در دسته اول از جای‌گزین‌های مصرح، آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات و تعویق صدور حکم قرار دارند و در دسته‌ی دو جای‌گزین‌های نظارت مدار نیمه آزادی و نظارت الکترونیکی.

۱. جای‌گزین‌های مصرح نسبت به نوجوانان

این جای‌گزین‌های ناظر به نوجوانان نیز به‌عنوان تخفیف قانونی، صراحتاً در دو ماده مورد پیش‌بینی قرار گرفته‌اند. به موجب ماده ۹۰ ق.م.ا در زمان نگهداری در کانون می‌تواند مشمول آزادی مشروط و تخفیف دیگر قانونی قرار گیرد. همچنین به موجب ماده ۹۴ ق.م.ا دادگاه می‌تواند در مورد تمام

جرائم تعزیری ارتكابی توسط نوجوانان، صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را معلق کند. ذکر این نکته لازم است که ماده ۹۱ ق.م.ا در صورت وجود شرایط شبهه خود به نوعی پاسخ جایگزین حدود و قصاص اشاره دارد که برحسب سن مرتکب، وی را مشمول پاسخ‌های مقرر در ماده ۸۸ و یا ۸۹ ق.م.ا می‌کند. در ماده ۸۹ نیز برخی تدابیر جایگزین پاسخی برای آن رفتار مستوجب حد و قصاص می‌باشند.

۱.۱. آزادی مشروط: آزادی مشروط در فلسفه کیفری سده ۱۹، بخشی از گرایش کلی به اصلاح مجرمان محسوب می‌شد (آشوری، ۱۳۸۲: ۱۱۵) و مدتها به‌عنوان امتیازی از سوی مقامات مسئول زندان تلقی شده است؛ همانطور که جنبش دفاع اجتماعی این نهاد را یک شیوه بازسازی اجتماعی تلقی می‌کند که محکوم را دوباره به زندگی در محیط آشنا می‌سازد (آنسل، ۱۳۹۵: ۱۱۶-۱۱۴). آزادی مشروط در واقع یکی از راهکارهای کاهش تأثیر زندان بر مجرم و یک امتیاز در جهت بازپروری نوجوانان است. پس از آنکه به فکر به سازی و اصلاح ساختار درون زندان افتادند، این بحث مطرح شد که باید از توقف در زندان در جهت اصلاح مجرمان گام برداشت. اگر مجرمان اصلاح شدند، لازم نیست که آنان را تا روز آخر در زندان نگه داشت؛ بلکه می‌توان زودتر آنان را آزاد کرد (آشوری، ۱۳۸۶: ۲۴) برخی از حقوقدانان ضمن تأکید بر این نکته که در موقع ورود اطفال و نوجوانان به محیط بسته در مواقع مقتضی باید هدف از روش‌های اصلاحی و تربیتی در مورد آنان و لزوم یادآوری امکان استفاده از آزادی مشروط به آنان؛ در توجیه استفاده از این روش برای اطفال و نوجوانان ذکر کرده اند که اعطا آزادی مشروط یکی از موارد مهم تشویق اطفال و نوجوانان به آموزش، کار، حفظ نظم و آرامش، حسن سلوک و همزیستی با دیگران بوده از اثرات محیط بسته جلوگیری کرده و در اصلاح و تربیت اطفال و نوجوانان در بین مرحله اجرای مجازات و آزادی بسیار مفید و مؤثر است (دانش، ۱۳۷۸: ۲۴۹).

لذا آزادی مشروط هم یک فرصت برای کودکان و نوجوانان بزهکار است^۱ تا به موجب آن پیش از پایان یافتن مدت سلب آزادی از کانون اصلاح و تربیت جدا شده و به سطح جامعه بازگردند و هم هزینه جامعه برای نگهداری از مجرمین را کاهش می‌دهد و اجازه می‌دهد تا مددکاران کانون اصلاح و تربیت در محیطی خلوت و آرام‌تر بتوانند به اصلاح و درمان بقیه بپردازند. همچنین طولانی شدن مدت نگهداری در محیط بسته منجر به بی‌تفاوتی و کمبود عاطفی خانوادگی می‌گردد و اینکه اطفال بزهکار با سایر محکومین الفت و دوستی برقرار نموده و به محیط جدید خو می‌گیرند و برای

۱ علت ذکر واژه کودکان در این قسمت که ناظر به غیر نوجوانان و صغار است همانا این نکته است که به موجب تبصره ۱ ماده ۸۸ اطفال دارای سن ۱۲ تا ۱۵ سال (یعنی پسران) می‌توانند مشمول نگهداری در کانون شوند.

تهیه می‌احتاج و نیازهای اولیه زندگی از قبیل غذا و مسکن و لباس و غیره با مشکلی مواجه نبوده و مسئولیتی بر عهده ندارند (دانش، ۱۳۷۴: ۶۷).^۱

در قوانین کیفری مقررات آزادی مشروط به‌طور خاص برای اطفال و نوجوانان بزهکار مقرر نگردیده است. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز، در فصل دهم که اقدامات تأمینی و تربیتی و مجازات‌های اطفال و نوجوانان و در ماده ۹۰ مقرر شده که تقلیل مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت یا تبدیل آن به تسلیم طفل یا نوجوانان به ولی یا سرپرست قانونی، «... مانع استفاده از آزادی مشروط ... نیست». نکته کلی پاسخ به این نکته است که در چه سنی شخص طفل و نوجوان می‌تواند مشمول آزادی مشروط گردد. پاسخ را اینگونه می‌توان عنوان نمود که در هر سنی که شخص محکوم به نگهداری در کانون شود، می‌تواند از آزادی مشروط استفاده کند. با نگاهی به مواد ۸۸ و ۸۹ می‌توان موارد محکومیت به نگهداری را بر اساس نوع جرایم و سن دید. در سن ۱۲ تا ۱۵ سالگی خواه پسر نابالغ و یا بالغ باشد و خواه دختر بالغ که مرتکب جرم تعزیری درجه‌ی یک تا پنج شوند. در سن ۱۵ تا ۱۸ سالگی نیز بالغان زیر ۱۸ سال تمام اعم از دختر و پسر را شامل می‌شود که مرتکب جرم تعزیری درجه یک تا پنج می‌شوند.

نکته قابل توجه دیگر این است که آیا بهره مند ساختن نوجوان از آزادی مشروط مقید به این است که حتماً قبلاً نسبت به وی حکم قطعی کاهش مدت نگهداری و یا عدم کاهش صادر شده باشد و یا اینکه این شرطی برای صدور آزادی مشروط لازم نیست. در مقام پاسخ بایستی حالت‌هایی را تفکیک نمود، اگر نسبت به نوجوان حکم کاهش مدت نگهداری صادر شده باشد این امر مانع استفاده‌ی وی از آزادی مشروط نخواهد بود که متن ماده ۹۰ ق.م.ا در این خصوص تصریح دارد. حال چنانچه حکم دادگاه مبنی بر عدم کاهش این مدت نگهداری باشد به نظر می‌رسد که کماکان بتواند از آزادی مشروط استفاده کند و واژه‌ی /این/ امر مانع از شمول این حالت نیست و اطلاق آن به هر دو مورد کاهش و یا عدم کاهش مدت نگهداری مربوط می‌شود.

به‌طور کلی و در مقام تبیین شرایط این نهاد، در قانون مجازات مقررات خاصی در جهت آزادی مشروط به‌طور خاص برای نوجوانان بزهکار مقرر نشده است و اعطای آزادی مشروط به نوجوانان

ژورنال حقوق کیفری و مطالعات فریبی

۱. آزادی مشروط در تقلیل جمعیت کیفری و صرفه‌جویی در مخارج نگهداری زندانیان مؤثر است. (برای مطالعه بیشتر ر.ک حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۵). همچنین برای مطالعه بیشتر ر.ک: (Gendreau, P., Goggin, C., Cullen, F.T., & Andrews, D.A. (2000). 10-13.) (Fagan, J., & Kupchik, A. (2011)., 29-61.)

بزهکار مشمول مقررات افتراقی قرار نگرفته و ظاهراً قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان^۱ باید با استناد به مواد ۵۸ تا ۶۳ ق.م.ا نسبت به اعطای آزادی مشروط به آنان اقدام کند. این امر ممکن است به لحاظ قانونی و قضایی چالش‌هایی را ایجاد کند. اولین نکته مهم این است که چنانچه نوجوان قبلاً از آزادی مشروط استفاده کرده باشد آیا می‌تواند مجدداً از این نهاد استفاده نماید یا خیر. به نظر می‌رسد که باتوجه منطق اجرایی و پیش‌بینی آزادی مشروط چنانچه نوجوان قبلاً از این نهاد استفاده کرده باشد اعطای فرصت دیگری به وی خلاف مقتضای این نهاد است. همچنین به‌طور کلی می‌توان این نظر را داد که شرایط بندهای الف، ب و پ ماده ۵۸ ق.م.ا نیز در این خصوص قابل تسری باشد.

نکته دیگر در صدور این نهاد به لحاظ تقنینی و قضایی این است که گذشت چه مدتی از نگهداری در کانون برای صدور این نهاد شرط است. آیا به مانند صدر ماده ۵۸ ق.م.ا عمل می‌شود و یا اینکه ملاک دیگری را می‌توان باتوجه به ماده ۹۰ تعیین نمود. به نظر می‌رسد که در ملاک مدت، همان صدر ماده ۵۸ نیز حکمفرما باشد و باتوجه به اینکه بیشترین مدت نگهداری در کانون همان پنج سال مقرر در بند الف ماده ۸۹ است بنابراین با گذشت یک سوم از مدت نگهداری، نوجوان می‌تواند از آزادی مشروط بهره‌مند گردد. نکته دیگر در بحث مدت زمان حالتی است که دادگاه صالح به استناد ماده ۹۰ مدت نگهداری را کاهش می‌دهد. در این حالت به لحاظ مدت زمانی که پس از این کاهش مدت می‌تواند از آزادی مشروط بهره‌مند گردد گذشت همان زمانی است که به یک سوم می‌رسد.

به لحاظ سیاست قضایی ممکن است این پرسش مطرح شود که چنانچه در عمل نسبت به شخص نوجوانی که، به واسطه‌ی عدم درک حرمت رفتار اقدام به شرب خمر یا قتل دیگری نموده، حکم به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت صادر شده باشد، آیا می‌توان نسبت به وی از آزادی مشروط استفاده کرد یا خیر؟ در این خصوص اعتقاد قانونگذار در چنین مصادیقی تبدیل جرم حدی به تعزیری رخ می‌دهد و بدون آنکه مسئولیت کیفری از این شخص رفع گردد پاسخی تعزیری نسبت به وی تعیین می‌شود. برخلاف صراحت مقنن در ماده ۹۴ نسبت به تعلیق و تعویق فقط در جرائم تعزیری، اگرچه به نظر می‌رسد که نص ماده ۹۰ در شمول آزادی مشروط نوعی اطلاق و عمومیت را القا می‌نماید اما با این وجود متن ماده ۵۸ ق.م.ا با اشاره به جرائم تعزیری، در این خصوص ممنوعیت ایجاد می‌کند.

۱. حضور شخص مشاور آن هم در راستای دادرسی افتراقی ناظر به اطفال و نوجوانان الزامی است، چراکه به موجب ماده ۲۹۸ اصلاحی از ق.آ.د.ک «دادگاه اطفال و نوجوانان با حضور یک قاضی و یک مشاور تشکیل می‌شود. نظر مشاور، مشورتی است.»

۲.۱. تعلیق اجرای مجازات و تعویق صدور حکم: از آن جایی که مبنا و هدف تعیین پاسخ

در مورد کودکان و نوجوانان بزهکار، بازپروری منش و شخصیت ایشان است، به نظر می‌رسد تعلیق اجرای مجازات راهکار مناسبی برای جلوگیری از نگهداری کودکان بزهکار در مؤسسات باشد، زیرا باتوجه به شخصیت انعطاف پذیر کودکان، میزان تأثیرپذیری آنان از محیط و فرهنگ زندان بالاست، در نتیجه توسل به این شیوه می‌تواند از معایب زندان برای آنان بکاهد. از سوی دیگر دادگاه می‌تواند باتوجه به وضعیت خاص آنان دستورهای آموزشی-درمانی و مراقبتی در مدت تعلیق صادر کند و با الزام نوجوانان به اجرای آنها و نظارت دقیق بر این امر، او را در بازسازی شخصیت خویش حمایت کند.

در حقوق کیفری ایران مطابق با ماده ۹۴ قانون مجازات اسلامی: «دادگاه می‌تواند در مورد تمام جرایم تعزیری ارتكابی توسط نوجوانان^۱، صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را معلق کند.» لذا این نهادها می‌توان از نگهداری کودکان و نوجوانان در کانون اصلاح و تربیت که واکنشی تنبیهی است و باید به‌عنوان آخرین راهکار پیش‌بینی گردد جلوگیری کند. در ماده ۹۴ مشخص نگردیده است که تعلیق و تعویق قابل اعمال ساده باشد و یا مراقبتی؟ ضمانت اجرای تخلف از دستورات حین این نهادها چیست؟ بلکه به‌صورت کلی به رعایت مقرراتی که در باب تعلیق و تعویق در مواد ۴۰ تا ۵۵ آمده است موکول شده است؛ حال آنکه در برخی موارد ممکن است اجرای این مقررات مربوط به بزرگسالان برای اطفال و نوجوانان مناسب و یا ممکن نباشد و بهتر بود مقنن شرایط جداگانه‌ای را برای استفاده نوجوانان از این نهاد فراهم می‌نمود. به‌طور کلی در این شیوه، که در مورد ارتكاب کلیه جرایم نوجوانان قابل اعمال است، چنانچه دادگاه رسیدگی کننده به اتهام، مجرمیت را احراز نماید، با عنایت به وضع نوجوان و شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر ارتكاب جرم، اجرا و یا صدور رای را ضمن الزام او به انجام دستورهای تربیتی، مراقبتی، درمانی و حرفه‌آموزی، برای مدتی معین تعلیق می‌نماید و یا به تعویق می‌اندازد. در صورت تعویق صدور حکم، مددکار اجتماعی منتخب دادگاه ناظر بر حسن اجرای دستورهای دادگاه توسط نوجوان خواهد بود. در پایان دوره تعلیق و تعویق، چنانچه گزارش مددکار اجتماعی مبین حسن رفتار کودک یا نوجوان باشد، دادگاه مبادرت به صدور قرار موقوفی تعقیب یا معافیت از مجازات و یا موقوفی مجازات می‌نماید. در غیر این صورت، یعنی در صورتی که گزارش مددکار اجتماعی مبنی بر عدم تغییر رفتار کودک یا نوجوان یا تغییر نسبی رفتار او باشد، تکلیف قانونی مشخص نشده است ولی به نظر می‌رسد که دادگاه بر حسب مورد بتواند مجازات مقرر در قانون را تخفیف دهد (مؤذن زادگان، ۱۳۸۳: ۱۳۹) بر همین اساس قابل ذکر است که یکی از شعبه‌های دادگاه اطفال تهران در خصوص شرب خمر یک

۱. سابق بر اصلاح نهایی، این ماده صرفاً ناظر به جرایم تعزیری درجه پنج تا هشت بود.

نوجوان ۱۷ ساله و رانندگی بدون گواهینامه و مستی در حین رانندگی قطع نظر از صدور حکم به ۸۰ ضربه تازیانه به علت شرب خمر نسبت به رانندگی بدون داشتن گواهینامه حکم به پرداخت جزای نقدی به مبلغ چهل میلیون ریال صادر که به مدت یکسال آن را معلق می‌نماید. با ید توجه داشت که اولاً نوجوانان از این نهادها استفاده می‌کنند و شخص نوجوان همان دختر و پسر بالغ می‌باشند. ثانیاً اینکه فقط جرائم تعزیری مشمول مشمول تعلیق اجرای حکم و تعویق صدور حکم می‌باشند است، منظور از جرائم تعزیری نیز جرائم تعزیری غیر منصوص است، زیرا در تبصره ۲ ماده ۱۱۵ موارد منصوص شرعی از حکم مقرر در ماده ۹۴ مستثنی شده‌اند. در رابطه با نوع جرم بحثی که قابل طرح است این است که آیا در جرائم مستوجب حد و قصاص در صورتی که مرتکب ماهیت جرم انجام شده یا حرمت آن را به موجب ماده ۹۱ درک ننماید این تدابیر قابل استفاده هستند یا خیر. پاسخ کاملاً آشکار است که با توجه به جرائم تعزیری جرایم خارج از آن از حیثه‌ی شمول آن خارج شده‌اند. بنابراین، نظر قانونگذار آن است که تعلیق و تعویق صدور حکم نباید در جرایم با مجازات شدید به کار رود بلکه باید در جرایم خرد و متوسط به کار رود لذا در حدود و قصاص در صورتی که مرتکب ماهیت جرم انجام شده یا حرمت آن را به موجب ماده ۹۱ درک ننماید این تدبیر قابل استفاده نیست و البته این نظر از لحاظ قضایی هم می‌تواند قابل دفاع می‌باشد.^۱ ممکن است در سیاست جنایی قضایی این نکته مطرح شود که چنانچه شخص نوجوانان به دلیل عدم درک حرمت به مجازات‌ها و اقدامات تأمینی محکوم گردد، آیا می‌توان پس از اجرای قسمتی از آن حکم، اجرای حکم باقیمانده نسبت به وی را مشمول تعلیق نمود یا خیر. به لحاظ قانونی توسل به تعلیق مجازات چه در زمان صدور حکم و چه در زمان اجرای مجازات ممکن به نظر نمی‌رسد و اطلاق ماده ۹۴ مشمول این وضعیت نیز می‌گردد.

اینکه حکم اصلی موضوع تعلیق و تعویق چه دامنه‌ای را می‌تواند داشته باشد مطلق است و احکام مقرر در مواد ۸۸ و ۸۹ ناظر به نوجوانان را می‌تواند شامل شود. بنابراین اگرچه به لحاظ قضایی و دامنه‌ی شدت پاسخ‌ها، بیشترین استفاده از نهادهای تعویق و تعلیق می‌تواند در حکم به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت و جزای نقدی باشد ولی منعی برای شمول آن در دیگر پاسخ‌ها مانند خدمات عمومی رایگان، اقامت در منزل و حبس پایان هفته‌ای به نظر نمی‌رسد. یعنی تا مدتی اجرا و یا حتی صدور حکم به جرمی که می‌تواند واجد پرداخت جزای نقدی، الزام به خدمات عمومی رایگان، حبس پایان هفته‌ای و اقامت در منزل مشمول تعلیق و یا تعویق گردد.

۱. به‌ویژه در حالتی که شخص مرتکب جنایت مستوجب قصاص شده است و مجنی علیه یا اولیای دم خواهان قصاص باشند ولی شرایط شبهه اثبات می‌گردد. در این حالت صدور تعلیق اجرای مجازات و یا به‌طور کلی تعویق صدور حکم به شدت مورد اعتراض آنان خواهد گرفت.

بیان این مطلب در اینجا ضروری است که تعلیق اجرای مجازات تنها مرتکب را از اعمال تمام یا قسمتی از مجازات مقرر در معاف می‌کند و در از بین بردن مجازات از سجل کیفری مؤثر نخواهد بود. با این حال باتوجه به ماده ۹۵ قانون مجازات اسلامی این امر در خصوص نوجوانان تخصیص می‌خورد چرا که محکومیت کیفری آنان فاقد آثار کیفری است. همچنین در رابطه با حقوق مدعی خصوصی باتوجه به موادی مانند ماده ۵۱، تعلیق و تعویق اجرای مجازات محکوم نسبت به حق مدعی خصوصی تأثیری ندارد و حکم پرداخت خسارت یا دیه در این موارد اجرا می‌شود.^۱

۲. امکان سنجی کاربست جای‌گزین‌های نظارت مدار نسبت به نوجوانان

دسته‌ی دیگر از جای‌گزین‌ها صراحتاً مورد اشاره‌ی مقنن قرار نگرفته‌اند و به‌طور کلی نسبت به بزهکاران اعم از بزرگسالان و نوجوانان پیش‌بینی شده‌اند. البته شاید بتوان مُراد از سایر تخفیفات مقرر در ماده ۹۰ اشاره را صرف نظر از تخفیف قضایی با ملاک ماده ۳۷ ق.م.ا، ناظر به نهادهای جای‌گزین دیگری دانست که به‌طور مطلق ذکر شده‌اند که از جمله‌ی آنها نظارت الکترونیکی و نیمه آزادی هستند. زیرا در ماده ۹۳ به تخفیف قضایی در ارتباط با اطفال و نوجوانان پرداخته شده است^۲ و بنابراین، نمی‌توان ناظر به یک حکم واحد تخفیف دو متن قانونی را موجود فرض نمود. بر همین اساس با عطف به این نکته ملاک را می‌توان اینگونه دریافت که مقنن در مقام اشاره به سایر نهادهایی است که به نظام آزادی مشروط نزدیک هستند و شخص نوجوان را از اجرای نگهداری در کانون اصلاح و تربیت با شرایطی آزاد می‌سازد. به همین دلیل به نظر می‌رسد که مصادیق مرتبط با آن، اولاً نظام نیمه آزادی باشد و ثانیاً نظام آزادی تحت سامانه‌های الکترونیکی.

۲.۱. نیمه آزادی: روش نیمه آزادی روشی است که به موجب آن محکومان به مجازات‌های سالب آزادی به وسیله آن مدتی از دوران حبس را در خارج از این محیط و سایر اوقات را در زندان سپری می‌کنند. به موجب این روش بزهکار می‌تواند برخی از فعالیت‌های مربوط به زندگی را در بیرون از محیط زندان انجام دهد. روش نیمه آزادی برای عادت دادن محکومین به محیط آزاد اجرا

۱. اما باید توجه داشت که مواد مربوط به تعلیق اجرای مجازات در این قانون باتوجه به وضعیت خاص بزرگسالان تدوین گردیده و دارای شرایط ویژه‌ای است که نمی‌تواند پاسخگوی مبنای حکم به تعلیق مجازات در مورد نوجوانان باشد، به‌عنوان مثال در ماده ۳۰ همان قانون احکام جزایی مربوط به تعدادی از جرایم قابل تعلیق نمی‌داند. اگرچه به لحاظ شدن جرایم موضوع این ماده مثل جرایم مواد مخدر، غیرقابل تعلیق بودن آنها نسبت به بزرگسالان قابل توجیه است؛ اما در مورد اطفال که دارای مسئولیت کیفری نسبی‌اند و مبنای سلب آزادی از آنان، صرفاً بازپروری شخصیت ایشان است، فاقد وجهت می‌باشد. (مؤذن زادگان، ۱۳۸۳: ۱۴۵-۱۴۴).

۲ مطابق با این ماده: «دادگاه می‌تواند در صورت احراز جهات تخفیف، مجازات‌ها را تا نصف حداقل تقلیل دهد و اقدامات تامینی و تربیتی اطفال و نوجوانان را به اقدام دیگری تبدیل نماید.»

می‌شود. در اجرای این روش محکومین بدون نگرهبان در خارج از زندان به کار اشتغال دارند و شب‌ها پس از اتمام کار و روزهای تعطیل و بیکار در زندان به سر می‌برند (دانش، ۱۳۷۲: ۳۶۱). در نظام نیمه آزادی به جای حکم به حبس فرد، فرد محکوم باید در جامعه به فعالیت‌های مثبت و سازنده فردی و اجتماعی بپردازد. پیدایش روش نیمه آزادی مدیون اجرای نظام تربیتی ویژه‌ای است که در اصطلاح کیفر شناسان به نظام ایرلندی یا تدریجی معروف است. در این روش محکومان روزها در بیرون از زندان به کار می‌پردازند و شب‌ها دوباره به زندان باز می‌گردند (اردبیلی، ۱۳۶۶: ۱۷۷).

به نظر می‌رسد که در رابطه با اطفال و نوجوانان، نیمه آزادی را در دو حالت باید بکار گرفت: اول در حالتی که نگهداری طفل یا جوان در محیط آزاد امکانپذیر نباشد و وضع او ایجاب کند که از محیط اجتماعی که در وقوع جرم و یا بروز حالت خطرناک مؤثر بوده دور شود. دوم در جایی که طفل یا جوان مدتی در محیط بسته نگهداری شده و به منظور آماده نمودن او برای بازگشت به زندگی عادی اجتماعی. در این دو حالت به نظر می‌رسد که دادگاه یا مقام صلاحیتدار بتواند حکم به نگهداری طفل یا جوان را در یک مؤسسه نیمه آزادی صادر کند (دانش، ۱۳۷۴: ۲۳۵). طفل یا نوجوانی که در مورد او حکم اجرای روش نیمه آزادی صادر شده، در محل خاصی که برای اجرای روش مذکور بنا گردیده و با دیوار یا سیم خاردار و یا وسایل دیگر محصور نیست نگهداری می‌شود. در مؤسسات نیمه آزادی، سالن استراحت، کتابخانه، محیط تفریحی و غذاخوری در طبقه همکف و خوابگاه‌ها در طبقه فوقانی و تا حد ممکن به‌طور انفرادی بنا می‌شود؛ البته رفاه در مؤسسات یاد شده نباید بیش از سطح عادی زندگی باشد (همان، ۲۳۶).

در ماده ۵۶ از ق.م.ا. ۱۳۹۲، نظام نیمه آزادی به رسمیت شناخته شده است. بدین سان در پاسخ به اطفال و نوجوانان بزهکار نیز در صورتی که قاضی به مصلحت بداند می‌تواند از این شیوه استفاده کند. در ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی نیز شرایط استفاده از این نهاد تبیین شده است. باتوجه به ماده مذکور باید گفت که این شیوه پاسخ دهی تنها به جرایم تعزیری درجه پنج تا هفت اختصاص می‌یابد. بنابراین اگر نوجوان به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت به دلیل جرم تعزیری درجه یک تا چهار محکوم گردد مشمول نظام نیمه آزادی نمی‌شود. همچنین به حکم تبصره ۲ ماده ۱۱۵ تعزیرات منصوص ارتكابی از سوی نوجوانان نیز از شمول نظام نیمه آزادی نیز خارج هستند. در جرایم مستوجب حدود و قصاص نیز که به موجب ماده ۹۱ ق.م.ا. به واسطه‌ی عدم درک حرمت و عروض شبهه به تعزیر تبدیل می‌گردند قابل اعمال نمی‌باشد. در پایان باید گفت ایرادی که در زمینه نظام نیمه آزادی به مقنن وارد است آن است که ضمانت اجرای خاصی را برای تخلف از شرایط مد نظر مقنن قرار نداده است که این امر می‌تواند عملاً اجرای این پاسخ را مختل سازد.

۲.۲. نظارت الکترونیکی: نظارت الکترونیکی می‌تواند اهداف بازداشت، ایجاد محدودیت و یا نظارت گرایبی مرتبط با تحت نظارت قرار دادن مجرم را تأمین کند (تدین، ۱۳۸۷: ۵۹-۵۷). از همین رو برنامه‌ی نظارت الکترونیکی ممکن است گوناگون باشند و حتی ممکن است در مراحل مختلف نظام عدالت کیفری اعمال شوند: مرحله‌ی قبل از دادرسی، مرحله‌ی تعیین مجازات، به هنگام تحمل حبس و یا پس از تحمل حبس. نظارت الکترونیکی به‌عنوان ابزار مقرون به صرفه‌ای که ارزان تر از مجازات حبس می‌باشد قلمداد گشت. نظارت الکترونیکی در مرحله صدور حکم و به‌عنوان مجازات، در ماده ۶۲ و همچنین به اعتقاد برخی به‌طور تلویحی در تبصره ۲ ماده ۸۹ ق.م.ا. (در خصوص اطفال و نوجوانان) پیش‌بینی شده است (آقای جنت مکان، ۱۳۹۵: ۲۲-۴۲). مطابق با ماده ۶۲ نظارت الکترونیکی نهادی است که نسبت به محکوم به حبس تعیین شده در اثر جرم تعزیری درجه پنج تا درجه هشت، صادر می‌شود که در نتیجه‌ی آن محکوم در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه (سیستم) های الکترونیکی قرار می‌گیرد. این ماده در زیر مجموعه‌ی فصل آزادی مشروط آمده، اما ارتباطی با مقررات آزادی مشروط ندارد، بلکه تأسیس حقوقی جدیدی برای اجرای مجازات حبس است و جایگزینی برای آن محسوب می‌شود؛ به نحوی که به دادگاه اجازه داده است به جای محکومیت به حبس، مرتکب را به نگهداری در یک محدوده‌ی خاص جغرافیایی یا در منزل با اعمال نظارت‌های الکترونیکی محکوم نماید. مکان مقرر در ماده اعم است از منزل شخصی و یا محدوده‌های مکانی دیگر. در هر دو حالت رضایت محکوم علیه مبنی بر «تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی قرار گرفتن» شرط است. ملاک و معیار در اجرای این ماده، مجازات قانونی جرم ارتكابی است که باید تعزیر درجه ۵ تا ۸ باشد نه مجازات و محکومیت مندرج در دادنامه (قادری ینگ، ۱۳۹۲: ۴۷).

باتوجه به ماده ۶۲ ق.م.ا باید گفت که این شیوه پاسخ دهی تنها به جرایم تعزیری درجه پنج تا هشت اختصاص می‌یابد. بنابراین اگر نوجوان به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت به‌دلیل جرم تعزیری درجه‌ی یک تا چهار محکوم گردد مشمول نظام نظارت الکترونیکی نمی‌شود. همچنین به حکم تبصره ۲ ماده ۱۱۵ تعزیرات منصوص ارتكابی از سوی نوجوانان نیز از شمول این نظام نیز خارج هستند. در جرایم مستوجب حدود و قصاص نیز که به موجب ماده ۹۱ ق.م.ا به واسطه‌ی عدم درک حرمت و عروض شبهه به تعزیر تبدیل می‌گردد، باتوجه به درجه تعزیر تعیین شده می‌تواند از حیث شمول یا عدم شمول این نهاد قابل تعیین گردد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

قانون مجازات اسلامی با پذیرش گسترده‌ی پاسخ‌های جای‌گزین درصدد تأکید بر از بین بردن معایب پاسخ‌های سنتی برآمد. در این راستا پاسخ‌های جای‌گزین به نحوی هستند که از یک طرف با افزایش حضور نوجوانان در محیط خانواده، افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اهمیت دادن احترام به قواعد کنترل‌گرایی و نظارت میزان تکرار جرم را از سوی آنان کمتر می‌نماید. این پاسخ‌های جای‌گزین از نظر مقنن یا خود به‌عنوان پاسخ اصلی بر نوجوانان تعیین می‌گردد و یا پاسخی هستند که جای‌گزینی برای پاسخ‌های با ماهیت سنتی یعنی نگهداری در کانون اصلاح و تربیت هستند. دسته اول از پاسخ‌های جای‌گزین به‌عنوان پاسخ اصلی، که در بندهای پ و ت ماده ۸۹ و تبصره‌ی ۲ این ماده پیش‌بینی شده است عبارتند از: خدمات عمومی رایگان، اقامت در منزل و حبس پایان هفته‌ای. این نهادهای جای‌گزین به‌عنوان مجازات اصلی، هم در تعزیرات و هم در جرایم مستوجب حدود و قصاصی قابل اعمال هستند که نوجوان درک از حرمت را نداشته و شبهات مقرر در ماده ۹۱ در خصوص آنها عارض شوند. دامنه‌ی این پاسخ‌ها گسترده به نظر می‌رسد. اقامت در منزل و حبس پایان هفته‌ی در رابطه با تمام بندها و به‌عنوان اختیاری برای مقام قضایی می‌باشند که می‌تواند بجای نگهداری در کانون اصلاح و تربیت و جزای نقدی مورد استفاده قرار بگیرد، خواه این پاسخ ناظر به جرم تعزیری باشد و خواه ناظر به جرم مستوجب حد یا قصاص. این پاسخ‌ها از جمله اختیارات قضات است و در کنار محکومیت به نگهداری در کانون و جزای نقدی قرار می‌گیرند. مدت این پاسخ‌ها نیز بسته به شخصیت نوجوان از سه ماه تا پنج سال متغیر است. تعیین مدت این پاسخ‌ها می‌تواند از درجه‌ی شدت جرم نیز تأثیر بپذیرد؛ ولی به نظر می‌رسد که تعیین یک ضابطه‌ی مشخص برای میزان مدت قابل اعمال لازم باشد. خدمات عموم رایگان نیز از جمله پاسخ‌های اصلی با ماهیت جای‌گزین است که در عرض پاسخ‌های دیگر نست به جرایم تعزیری درجه پنج و شش و حدود و قصاص دارای شرایط شبیهه قابل تعیین باشد. نسبت به نوجوانان مقررات آیین نامه ماده ۷۹ ق.م.ا نیز قابل اعمال است و نوع خدمات و شرایط و تشریفات حین اجرای آن را می‌توان از این آیین نامه برداشت نمود.

دسته دوم که همانا تخفیفات قانونی است. ماده ۹۰ با اشاره به امکان بهره‌گیری از آزادی مشروط و سایر تخفیفات از یک طرف و ماده ۹۴ با اشاره به امکان استفاده از تعویق و تعلیق از طرفی دیگر، پاسخ‌های جای‌گزین را به همان شکل جای‌گزین بودن پیش‌بینی نموده است. لازم به ذکر این نکته است که مُراد از سایر تخفیفات مقرر در ماده ۹۰ اشاره به تخفیف قضایی با ملاک ماده ۳۷ ق.م.ا نیست، زیرا ماده ۹۳ به تخفیف قضایی در ارتباط با اطفال و نوجوانان پرداخته است، بنابراین، نمی‌تواند ناظر به یک حکم واحد تخفیف دو متن قانونی وجود داشته باشد. بر همین

اساس با عطف به این نکته ملاک را می توان اینگونه دریافت که مقنن در مقام اشاره به سایر نهادهایی است که به نظام آزادی مشروط نزدیک هستند و شخص نوجوان را از اجرای نگهداری در کانون اصلاح و تربیت با شرایطی آزاد می سازد. به همین دلیل به نظر می رسد که مصادیق مرتبط با آن، اولاً نظام نیمه آزادی باشد و ثانیاً نظام آزادی تحت سامانه های الکترونیکی. به طور کلی در این دسته از پاسخ های جایگزین به صورت تخفیف قانونی، دو نکته مهم قابل اشاره است: اولاً، رویکرد مقنن به نحوی است که همان مقررات ناظر به این نهادها را ناظر به نوجوانان قابل اعمال اعلام کرده است. بنابراین مقررات آزادی مشروط، تعویق، تعلیق، نیمه آزادی و نیز نظارت الکترونیکی ناظر به نوجوانان، همان مقررات ناظر به بزرگسالان می باشد؛ این در حالی است که تأمین برخی شرایط نسبت به نوجوانان دشوارتر است و باعث دشواری توسل به این نهادها در خصوص نوجوانان می شود. بنابراین برخی ابهامات در رابطه با این نهادها بوجود می آورد و مستلزم این است که مقنن مقررات مجزایی را برای نوجوانان پیش بینی نماید. دوماً اینکه این نهادها فقط ناظر به جرائمی تعزیری است که از سوی نوجوانان ارتکاب پیدا می کنند و باتوجه به متون قانونی چنانچه این اشخاص مرتکب جرایم مستوجب حد و قصاصی گردند که شرایط شبهه عارض شده است، نمی توان از این تخفیفات قانونی استفاده نمود.

منابع

- ابراهیمی، ابراهیم (۱۳۸۹)، پرونده شخصیت در فرآیند کیفری ایران (مطالعه کاربردی)، چاپ اول، انتشارات فکرسازان.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۶۶)، «نیمه آزادی»، مجله مطالعات حقوقی و قضایی، شماره ۱۰، ص ۱۷۶-۱۸۶.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۸)، «حمایت های بین المللی از اطفال و نوجوانان بزهکار»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۶-۲۵، ص ۳۱۳-۳۲۲.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳)، حقوق جزای عمومی، جلد سوم، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- آشوری، محمد (۱۳۸۲)، جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین، چاپ اول، تهران: نشر گرایش.
- آشوری، محمد (۱۳۸۶)، «جایگاه زندان در سیاست کیفری جهان معاصر»، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، به کوشش مائده میرشهبهانی، نشر میزان، ص ۷-۱۵
- آقایی جنت مکان، حسین (۱۳۹۴)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل.

- آقای جنت مکان، حسین (۱۳۹۵)، «نظارت (حبس) الکترونیکی؛ روشی نو در جانمایی کیفر زندان»، در: **دایره المعارف علوم جنایی** (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، کتاب دوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان، ص ۳۹-۲۱
- آنسل، مارک (۱۳۹۵)، **دفاع اجتماعی**، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پور محی‌الدینی، حسین (۱۳۹۵)، **سیاست کیفری و کودکان و نوجوان بزه دیده و بزه‌کار**، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- تدین، عباس (۱۳۸۷)، «نظارت الکترونیکی: گامی به سوی جای‌گزین زندان»، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۶۴، ص ۵۶-۶۶.
- حاجی تبار فیروزجانی (۱۳۸۷)، **جای‌گزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران**، چاپ اول، انتشارات فردوسی.
- حبیب‌زاده، محمد جعفر، نجفی ابرندآبادی، علی حسین، خالقی، ابوالفتح (۱۳۸۰)، «حبس خانگی»، **مجله مدرس علوم انسانی**، دوره ۵، شماره ۴، ص ۱۴۱-۲۱۴.
- دانش، تاج زمان (۱۳۷۴)، **اطفال و جوانان بزه‌کار**، چاپ دوم، تهران: انتشارات مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- دانش، تاج زمان (۱۳۷۸)، **دادرسی اطفال بزه‌کار در حقوق تطبیقی**، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- رزاقی، علی اصغر (۱۳۷۸)، «کارهای عام‌المنفعه به‌عنوان جای‌گزین کیفر سالب آزادی در حقوق انگلیس و فرانسه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران.
- شمس‌ناتری، محمد ابراهیم؛ کلانتری، حمیدرضا؛ زارع، ابراهیم و ریاضت، زینب (۱۳۹۴)، **قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی**، جلد اول، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- صبوری‌پور، مهدی، علوی صدر، فاطمه (۱۳۹۴)، «سن مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، **فصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری**، سال ششم، شماره اول، ص ۱۷۱-۱۹۴.
- قادری ینگلی کند، علی اکبر (۱۳۹۲)، «مقایسه کنترل‌های الکترونیکی با کیفرهای سالب آزادی؛ کارکردها و پیامدها»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه کاشان.
- لری، سیگل، جوزف، سنا (۱۳۷۹)، «دو نظریه واکنش اجتماعی: برچسب زنی و تعارض»، مترجم: محمدپور فرد، جعفر، **مجله امنیت**، شماره ۱۱ و ۱۲، ص ۶۷-۴۶

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۸)، **حقوق کیفری عمومی ۲ (اقدامات و کیفرهای جای‌گزین زندان)**، تقریرات مهرداد رایجیان اصلی، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.

نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۳)، **حقوق کیفری کودکان و نوجوان**، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
 یوسفی زاده، معصومه (۱۳۹۵)، «مطالعه تطبیقی خدمات عمومی و عام‌المنفعه به‌عنوان کیفر جای‌گزین حبس اطفال و نوجوانان در قانون جدید مجازات ایران و اسناد بین‌المللی»، **مجله تحقیقات جدید در علوم انسانی**، سال دوم، شماره سوم، ص ۲۰۱-۲۱۳.

Ashford, M., Chard, A. and Redhouse, N. (2006), **Defending Young People in the Criminal Justice System**. London: Legal Action Group.

Fagan, J., & Kupchik, A. (2011), **Juvenile incarceration and the pains of confinement**, *Duke Forum for Law and Social Change*, 3(29), 29-61.

Gendreau, P., Goggin, C., Cullen, F.T., Andrews, D.A. (2000), **The effects of community sanctions and incarceration on recidivism**. *Forum on Corrections Research*, 12 (May), 10-13.

Goldson, B. (ed.) (2008), **Dictionary of Youth Justice**, London: Willan Publishing.

